

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

توضیح استاد نسبت به کلام محقق ایروانی

فرمایش مرحوم محقق ایروانی (قده) را عرض کردیم. خلاصه این شد که فرمودند در این مواردی که یک تعلیقی وجود دارد، منشأ فعلیت دارد، انشاء هم فعلیت دارد، اما این منشأیی که فعلیت دارد در ذاتش یک تعلیقی است. بعبارة آخری؛ جایی که یک حکمی غیر معلق است، روشن است که منشأ فعلیت دارد، همانطور که انشاء هم فعلیت دارد، ولی جایی که یک حکمی معلق است، این حکم معلق، خود این مجموع بعنوان منشأ بالفعل حساب می شود. حالا برای اینکه فرمایش ایشان خوب روشن شود، این توضیح را اضافه می کنم.

ایشان می فرماید در جایی که یک تعلیقی در رابطه با حکم وجود دارد، مثلاً الان مولا می فرماید «صلّ وقت الزوال»، یا در مسأله حج می فرماید «لله على الناس حج البيت من استطاع»، اینجا گرچه یک تعلیقی وجود دارد، اما این تعلیق سبب نمی شود بگوئیم انشاء الان فعلیت دارد و منشأ در آینده می آید، آن منشأیی که در آینده می آید، در آینده وقتی قید حاصل شد وجوب نماز تحقق پیدا می کند، بعد از حصول قید، آن وجوب دیگر معلق نیست، بلکه به صورت منجز تحقق پیدا می کند.

در حالی که می گوئیم الان مولا یک وجوب مشروط را انشاء کرده است. خود این وجوب مشروط، که به تعبیر ایشان؛ «الامر التعلیقی»، این مجموع، عنوان منشأ فعلی را دارد. یعنی مولا بالفعل یک وجوب تعلیقی را انشاء کرده، پس منشأ بالفعل؛ یک وجوب تعلیقی است. بعبارة آخری؛ یک زمانی ما خود وجوب را در نظر می گیریم، می گوئیم این وجوب که هنوز نیامده، پس الان در حین انشاء نیست. پس می شود گفت انشاء هست ولی وجوب نیست.

این اشکالی هم که بعنوان انفکاک بین انشاء و منشأ است، از همین جا درست شده؛ می گویند ما سوال می کنیم در زمانی که مولا می فرماید «صلّ وقت الزوال» و هنوز زوال نیامده، وجوب نماز هست یا خیر؟ قطعاً وجوب نماز نیست. این وجوب می شود منشأ، پس حالا که وجوب نیست، منشأ نیست و در آینده می آید، پس انفکاک بین انشاء و منشأ تحقق پیدا می کند. ایشان می فرماید شما منشأ را خود وجوب نگیرید، بلکه مجموع وجوب بعلاوه این تعلیق، عنوان منشأ را دارد. یعنی مجموع این وجوب تعلیقی، منشأ است.

اشتباه اشکال کننده در اشکال سوّم و بسیاری از این نظراتی که خواندیم، این است که اینها خود وجوب را در دایره منشأ قرار می دهند، می گویند حالا که وجوب در دایره منشأ است، این وجوب که قبل از زوال نیست، پس وجوب که منشأ است، بعد از زوال می آید، در حالی که دو ساعت پیش، مولا انشاء را آورده است. در استطاعت، وجوب بعد از استطاعت می آید، در حالی که هزار سال پیش، مولا انشاء را آورده و این می شود تفکیک بین انشاء و منشأ.

نظریه محقق ایروانی در همین مطلب خلاصه می شود؛ می گوید وجوب را منشأ قرار ندهید، بلکه منشأ؛ مجموع وجوب تعلیقی است. وجوب تعلیقی الآن فعلیت دارد، لذا می فرمایند انشاء فعلی است، منشأ هم فعلیت دارد. بله، در ذات منشأ یعنی همان وجوب، یک تعلیقی وجود دارد که در آینده هر وقت قید آمد، آن هم موجود می شود.

عرض کردم عرف هم همین را مساعدت می کند. اگر از عرف سوال کنیم مولا چه چیزی را انشاء کرده؟ آیا عرف می گوید باید

صبر کنیم تا قید حاصل شود؟ تا قبل از حصول قید، ما اصلاً چیزی را بعنوان منشأ مولا نداریم؟ عرف چنین حرفی نمی‌زند، وقتی آیه «لَهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» نازل شد، عرف می‌گوید خداوند وجوب حج را به صورت تعلیقی انشاء فرمود. پس وجوب تعلیقی قبل از آنکه استطاعت هم محقق شود در کار است. این بیان ایشان است، و به نظر ما این بیان خوب و متینی است.

اشکال بر نظریه مرحوم ایروانی

اشکال کرده‌اند که طبق این نظریه، باید حکم یک مرحله بیشتر نداشته باشد و آن هم مرحله انشاء است. لذا دیگر «فعلیت» یک مرحله جدایی از مرحله انشاء نباشد.

از فرمایش محقق ایروانی اینطور برداشت کرده‌اند که شما می‌فرمایید حتی با وجود تعلیق، منشأ عنوان فعلیت دارد، هم انشاء و هم منشأ، فعلی است. پس دیگر مرحله‌ای بنام مرحله فعلیت برای حکم نداریم. مشهور می‌گویند حکم دو مرحله دارد: 1- مرحله انشاء. 2- وقتی قیود و شرایط محقق شد، آن مرحله می‌شود، مرحله فعلیت.

شمای محقق ایروانی که می‌گویید، همان موقع که انشاء می‌کند، همان موقع منشأ فعلیت دارد، اگر منشأ در همان زمان فعلیت دارد، پس دو مرحله به نام انشاء و فعلیت نداریم. بنا بر این اشکال می‌گوییم افرادی مثل مرحوم آخوند خراسانی، برای حکم، چهار مرحله قائل‌اند؛ مرحله اقتضاء، مرحله انشاء، مرحله فعلیت، مرحله تنجز. مشهور برای حکم دو مرحله قائل‌اند. 1- مرحله انشاء. 2- فعلیت.

بر اساس این اشکالی که به مرحوم ایروانی شده فرموده‌اند لازمه این فرمایش و نظریه ایروانی این است که برای حکم یک مرحله بیشتر نداشته باشیم، و آن مرحله انشاء است و دیگر چیزی بعنوان مرحله فعلیت نداریم. بعبارۀ آخری؛ مرحله انشاء و فعلیت یکی می‌شود.

پاسخ استاد از اشکال بر محقق ایروانی

برای دفاع از مرحوم ایروانی و جواب از این اشکال می‌توانیم بگوییم؛ ممکن است در نظر مرحوم ایروانی بین منشأ و حکم فرق باشد. همانطور که در توضیح بیان مرحوم ایروانی گفتیم ایشان می‌خواهند بفرمایند در موارد تعلیق، منشأ؛ الامر التعلیقی است. در نتیجه طبق نظریه ایشان منافاتی ندارد که انشاء و منشأ، فعلی باشند، ولی مع ذلک، حکم تعلیقی باشد، و برای فعلیت حکم باید آن قید بیاید تا آن حکم به مرحله فعلیت برسد.

یک مراجعه‌ای بفرمایید به آنچه ما در بحث جعل و مجعول به آن نتیجه رسیدیم که بحث مفصل و دامنه‌داری بود نظیر همین بحث، آنجا ما به این نظر رسیدیم که باید بین فعلیت مجعول و فعلیت حکم تفکیک کنیم، می‌گوییم در مواردی که یک قید و شرطی وجود دارد، جعل و مجعول فعلیت دارد، انشاء و منشأ هر دو فعلیت دارند، اما منشأ ما یک حکم تعلیقی است، این حکم تعلیقی اگر بخواهد فعلیت پیدا کند باید قیدش حاصل شود.

آنجا که ما آن نظریه را عرض کردیم گفتیم این بیان در کلام اُحدی وجود ندارد – و یادم هست که برای بعضی آقایان، پذیرش این مطلب سخت بود – ولی در همینجا این عبارت مرحوم ایروانی، و لو اینکه تصریح نکرده و باید به زحمت این مطلب را از عبارت درآورد، ولی این عبارت بوی همین مطلب را دارد که ایشان می‌خواهند بفرمایند ممکن است بین منشأ و حکم فرق بگذاریم. منشأ، فعلی است، اما حکم، تعلیقی است.

اساساً آن چیزی که بحث‌های مفصل را بوجود می‌آورد، آوردن یک کلماتی است که انسان فکر می‌کند بحسب ظاهر مرادف یکدیگرند. در اصول منشأ، حکم، مجعول و معتبر، در خیلی از عبارات این چهار کلمه مرادف یکدیگر قرار گرفته، و همین سبب

اشکال شده است، در حالی که طبق این بیان و توضیحي که ما عرض کردیم، منشأ غیر از حکم است. حکم با تعلیق، مجموعاً معنون به عنوان منشأ است. حکم، یک جزئی از منشأ است، اما خود منشأ نیست. البته در جایی که حکم، مطلق است و قیدی را ندارد، آنجا حکم و منشأ یکی است، اما در اینجا که حکم، معلق است، خودمان می‌گوییم منشأ ما یک حکم معلق است. وقتی حکم معلق شد، این حکم غیر از منشأ می‌شود.

بنابراین در جواب از این اشکال که به مرحوم ایروانی وارد شده، ما عرض می‌کنیم که علما و بزرگان نگفته‌اند که «منشأ» دارای دو مرحله است، گفته‌اند «حکم» دو مرحله دارد؛ یکی انشاء و دیگری فعلیت. مرحله انشاء، الان شده، وقتی قید در عالم خارج محقق شود، این حکم هم فعلیت پیدا می‌کند.

بنابراین همانطور که سابقاً عرض کردیم، جعل، فعلی است و مجعول، فعلی، اینجا هم می‌گوییم انشاء، فعلی است و منشأ هم فعلی است، اما حکم، تعلیقی است. بین فعلیت منشأ و فعلیت حکم باید تفکیک کنیم، کما اینکه ما قبلاً بین فعلیت مجعول و فعلیت حکم تفکیک کردیم.

نتیجه بحث

پس با ضمیمه کردن این توضیحاتی که بیان کردیم – بیان ایشان در کتابشان دو، سه سطر بیشتر نیست – ما از این اشکال سوّم، یعنی اشکال انفکاک انشا از منشأ خارج می‌شویم و این اشکال، اشکال واردی نیست و در حل اشکال نیازی به آن بیانی که مرحوم آقای خوئی (محاضرات، جلد دوّم، صفحه 323) فرمودند نیست و آن بیان اصلاً حل اشکال نیست. پس تا اینجا سه اشکال در رجوع قید به هیئت مطرح شد، که هر سه اشکال را جواب دادیم. به این نتیجه می‌رسیم که در جملات شرطیه، رجوع قید به هیئت استحاله ندارد و امکان دارد. پس از آن به قسمت دوّم فرمایش مرحوم شیخ انصاری می‌رسیم، که در جلسه بعد عرض می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين